درمکتب امام

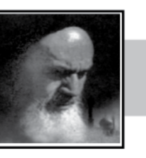

قطع امید از دیگران

وقتی یک ملتی احساس کرد که ارزاقش را دیگران نمی‌دهند به او، خودش به فکر می‌افتد که برای خودش درست کند. مادامی که در نظرش این است که نه، ما را می‌آورند برایمان، می‌دهند به ما، نمی‌تواند کار بکند.

صحیفه امام؛ ج۱۳؛ ص۳۱۲ | جماران؛ ۱۲ آبان ۱۳۵۲

به بهانه سالگرد شهادت سید اسدالله لاجوردی

از زمین فوتبال امجدیه در تعقیب اسرائیل

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

صبح جمعه ۲۱ فروردین ۱۳۴۹، استادیوم امجدیه تهران (شهید شیرودی فعلی)، مملو از جمعیت بود. همه برای یک مسابقه فوتبال بین تیم‌های تاج تهران و هاپوئل اسرائیل جمع شده بودند که به‌عنوان بازی پایانی جام باشگاه‌های آسیا انجام می‌گرفت.

این در شرایطی بود که ۳ سال از جنگ ۶ روزه اسرائیل علیه کشورهای اسلامی گذشته بود که طی آن صهیونیست‌ها بخش‌های دیگری از سرزمین‌های اسلامی را ضمیمه خود کردند. از همین روی تقریبا همه کشورهای اسلامی و عربی، رژیم صهیونیستی را تحریم کرده و ضمن قطع هرگونه روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و... در هیچ مسابقه ورزشی هم مقابل طرف اسرائیلی حاضر نمی‌شدند.

اما رژیم سرسپرده شاه برخلاف همه کشورهای اسلامی، به دستور اربابان آمریکایی خود، رژیم صهیونیستی را ولو به‌صورت عملی به رسمیت شناخته بود، هنوز جرأت نداشت که به‌طور علنی با اسرائیل وارد مبادلات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی شده و حتی سفارتی برای این رژیم در تهران در نظر بگیرد.

از همین روی سعی داشت تا با برگزاری مسابقات ورزشی مانند فوتبال مابین تیم‌های ایرانی و اسرائیلی، به تدریج فضای کشور را برای روابط علنی با رژیم اشغالگر قدس، آماده سازد. چنان که دو سال قبل در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۷ نیز در همین استادیوم امجدیه بازی پایانی مسابقات فوتبال جام ملت‌های آسیا مابین ایران و رژیم صهیونیستی برگزار شد. پس از آن مسابقه، مردم ضمن شادمانی از برنده شدن ایران، اما در همان شرایط خفقان‌بار، نارضایتی خود از جنایات رژیم صهیونیستی را پنهان نمی‌کردند.

امام شهیدمان حضرت آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای در خاطره‌ای از آن روزها نقل کردند:

«... سال‌های ۴۶-۴۷ بود در تلویزیون که تازه هم عمومی شده و در جاهای مختلف وجود داشت، مخصوصا برنامه‌های مسابقات فوتبال را می‌گذاشتند. یادم هست از جنجالی‌ترین آنها، مسابقه ایران و اسرائیل بود... هرچه ما در عالم واقعیت به اسرائیلی‌ها باج می‌دادیم و نفت و همه چیزمان در اختیار آنها بود، دلمان را خوش می‌کردیم که در میدان فوتبال، یک گل به اسرائیلی‌ها زدیم. من آن شب را فراموش نمی‌کنم و با اینکه ساکن مشهد بودم ولی اتفاقا تهران بودم. در این خیابان که راه می‌رفتیم، ماشین‌ها که حرکت می‌کردند و تاکسی‌ها که سر چهارراه می‌ایستادند، هرکدام از یکدیگر می‌پرسیدند که دیدی که گل زدیم به اسرائیل. و مردم خوشحال بودند که ما در میدان ورزش چنین کاری کردیم. حالا در میان همین هیجان مردم، بغض نسبت به اسرائیل هم به‌طور بی‌توجه به دستگاه و بدون آنکه خود دستگاه راضی و مایل باشد، درمی‌آمد...»

مبارزه علیه اسرائیل در میدان و خیابان

اما در اردیبهشت ۱۳۴۹ وضع خیلی متفاوت بود، خصوصا در آن روزهای نیمه اول بهار، استاد مطهری به همراه علامه طباطبایی برای کمک به فلسطینیان، حساب بانکی باز کرده و آن سخنرانی مهم خود برای عاشورا را ایراد کرده بود که «برای گرامیداشت راه حضرت امام حسین علیه‌السلام، امروز بایستی به فلسطینی‌ها کمک کنیم» و هم قضیه سفر سرمایه‌داران صهیونیست آمریکایی مانند «راکفلر» و «لیلیانتل» به ایران و تصاحب منابع زیرزمینی و رو زمینی کشور مطرح شده بود که برخی روحانیون انقلابی همچون آیت‌الله سعیدی به‌دنبال به راه‌انداختن جریانی اعتراضی نسبت آن تا شهادت پیش رفتند.

انقلابیونی مانند سید اسدالله لاجوردی، عزت‌شاهی، هاشم بیگ لشکری و... همراه دیگر یارانشان در هیئت‌های موتلفه اسلامی از آخرین روزهای اسفند ۱۳۴۸ متوجه شده بودند که قرار است تیم هاپوئل اسرائیل برای شرکت در جام باشگاه‌های آسیا به تهران بیاید. در آن روزها حاج احمد قدیریان پس از مدتی از لبنان بازگشته و خبرهای تازه‌ای از قتل‌عام فلسطینی‌ها توسط صهیونیست‌ها آورده بود. قدیریان در جلسه‌ای با حضور اعضای مؤتلفه که حاج اسدالله لاجوردی و سید علی اندرزگو هم در میانشان بودند، دیده‌ها و شنیده‌هایش از جنایات اسرائیلی‌ها بیان نمود. نقل شده در آن جلسه حاج اسدالله از شدت ناراحتی و عصبانیت حالش دگرگون گشته و در آخر به اعضای جلسه گفته بود بایستی در زمان حضور تیم اسرائیلی در تهران عملیاتی انجام دهیم و مردم را نسبت به طرح و نقشه‌های صهیونیست‌ها و نوکر دست‌نشانده‌شان یعنی شاه، آگاه سازیم.

از همان روز برنامه‌ریزی‌ها انجام گرفت که تا حد امکان مسابقه را برهم بزنند و اگر چنین امکانی نیافتند، در هنگام برگزاری مسابقه، اعلامیه‌های روشنگرانه علیه رژیم صهیونیستی میان مردم توزیع کرده و سپس تظاهراتی شکل داده شود تا دفتر هواپیمایی اسرائیلی «ال عال» را که در انجام نقشه صهیونیست‌ها و انتقال یهودیان از سراسر دنیا به سرزمین‌های اشغالی نقش عمده‌ای داشت، تخریب کنند.

حاج اسدالله لاجوردی و دوستانش با همراهی استاد مطهری، اعلامیه‌هایی درباره مظلومیت فلسطین و اشغالگری اسرائیل تهیه و آماده ساختند تا در روز مسابقه، توزیع نمایند. در بخشی از آن اطلاعیه آمده بود:

«... مردم مبارز تهران، اکنون برکسی پوشیده نیست که صهیونیسم، دشمن قسم‌خورده ملل مسلمان است... ملت آگاه ایران به حکم همبستگی‌های عمیق مذهبی... با شرکت فعال خود در اعتراض عمومی روز... از انجام این مسابقات جلوگیری به عمل خواهند آورد.

برقرار باد همبستگی خلق‌های ایران و فلسطین...»

حمله به دروازه و منافع اسرائیل

اینچنین بود که فعالیت حاج اسدالله و دوستانش از همان روز نخست آغاز بازی‌ها شروع شد. روز دوم مسابقات، پرچم اسرائیل که در میان پرچم‌های کشورهای شرکت‌کننده قرار داشت، به آتش کشیده شد و در جریان مسابقه هم، هربار تیم ایران موقعیتی بر روی دروازه اسرائیل پیدا می‌کرد، اعلامیه‌ها و تراکت‌های ضداسرائیلی از اطراف ورزشگاه به هوا می‌رفت و میان مردم پخش می‌گردید.

در انتها که ایران برنده بازی شد، مردم با هدایت حاج اسدالله و عزت شاهی به خیابان‌ها ریختند و علیه اسرائیل و رژیم شاه به تظاهرات پرداخته و از سمت خیابان روزولت (شهید مفتح کنونی) به سمت جنوب سرازیر شدند. از پایین آن خیابان، به ۳ سمت میدان فوزیه (امام حسین فعلی)، چهارراه مخبرالدوله و میدان فردوسی هدایت شدند که در انتهای خیابان ویلا (استاد نجات‌اللهی کنونی) که به خیابان شاهرضا (انقلاب اسلامی) می‌رسید، جمعیت روبه‌روی دفتر هواپیمایی اسرائیل (ال عال) تجمع کردند و در این‌جا حاج اسدالله و عزت‌شاهی و یارانشان که تا این‌جا تظاهرات مردم را سازماندهی نموده بود، با کوکتل مولوتف به دفتر اسرائیلی حمله کرده و آن محل را به آتش کشیدند. علم، وزیر دربار شاه در خاطراتش آورده که آن روز شاه بسیار عصبانی بود. او نوشته است:

«... شاه را برآشفته دیدم. علت را جویا شدم؛ گفت: در شهر اتفاقات ناخوشایندی رخ داده. گروهی دانشجو شعارهایی به وضوح کمونیستی داده‌اند. هیچ نوع پیروزی در فوتبال، شعارهایی از قبیل زنده‌باد مردم فلسطین، یا مرگ بر صهیونیسم را توجیه نمی‌کند. سازمان‌های امنیتی هم نتوانسته‌اند منبع آشوب را کشف کنند...»

مصطفی حائری‌زاده از یاران مؤتلفه نیز در خاطرات خود با اشاره به موج ضدصهیونیستی در میان مردم ایران بعد از فوتبال ایران و اسرائیل نوشت:

«...هنگامی که مسابقه به نفع ایران تمام شد، دستگاه سخت به وحشت افتاد. یادم است برق قسمتی از شهر را قطع کردند. من در چهارراه پهلوی (ولی‌عصر فعلی) بودم. تمام خیابان‌ها مملو از جمعیت بود. مردم شعار می‌دادند و علیه موشه دایان (وزیر جنگ رژیم صهیونیستی) شعر می‌خواندند. تمام تاکسی‌ها، اتوبوس‌ها و سواری‌ها چراغ‌هایشان را روشن کرده و بوق می‌زدند. در هیچ قنادی شیرینی نمانده بود. خودم شاهد بودم پنج شش نفر وارد یک قنادی شدند. دوهزار تومان پول به صاحب مغازه دادند و گفتند: «آقا این پیشت باشد.» بعد هم سینی‌های پر از شیرینی را برداشته و به خیابان بردند تا به مردم تعارف کنند. روز بعد فوتبالیست‌های اسرائیلی تحت حفاظت شدید امنیتی از کشور خارج شدند...»

تظاهرات و جریانات آن روز به‌خصوص به آتش کشیدن دفتر اسرائیلی ال عال، تاثیر بسیار مثبتی بر مردم داشت و آنها را نسبت به جنایات صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی و حمایت‌های رژیم شاه از آن آگاه ساخت.

لاجوردی و یارانش در مقابل ساواک و اسرائیل

۳ روز بعد از آن، حاج اسدالله لاجوردی دستگیر شد و تحت سخت‌ترین شکنجه‌های ساواک قرار گرفت. با مقاومت‌های شگفت‌انگیز او در این دوران بود که مرد پولادین زندان‌ها لقب گرفت. در زیر شکنجه‌های ساواک، کمر حاج اسدالله شکست و بینایی یک چشمش را تا حدود بسیاری از دست داد و در پرسشنامه زندانش بهنگام آزادی نوشت: «انسانی سالم به زندان آمدم و کلکسیونی از مرض را با خودم خواهم برد.»

حاج اسدالله که از سال‌های آغازین نهضت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) در هیئت‌های مؤتلفه اسلامی فعالیت می‌کرد و همرزم شهیدانی همچون محمد بخارایی و سید علی اندرزگو بود، پس از ترور حسنعلی منصور، نخستین زندان و شکنجه‌های رژیم شاه را تحمل کرد و از آن پس، بازداشت و زندان بود که برایش مکرر از پس یکدیگر می‌آمد و حبس پشت حبس شامل حالش می‌شد. اما لاجوردی از آن حبس‌های پی‌درپی و شکنجه‌ها و تهدیدها هراسی نداشت و به تکلیف خود عمل می‌کرد. او در ۹ سال از ۱۴ سال پس از تبعید حضرت امام (رحمه‌الله علیه) سال‌های بسیار سختی را در زندان‌ها و سیاهچال‌های رژیم شاه گذراند.

اما آخرین دوره زندان شهید لاجوردی که به ۱۸ سال محکوم شد، مصادف با دوران اعلام رسمی مارکسیست شدن مجاهدین خلق بود و درگیری‌های لاجوردی با سران منافقین زندان که باعث شناخت هر چه بیشتر او از عناصر نفاق گردید. از همین روی، پس از پیروزی انقلاب، مدیریت انقلابی و جهادی‌اش بر دادستانی انقلاب اسلامی تهران و زندان اوین در مهم‌ترین برهه درگیری دشمنان انقلاب با نظام نوپای جمهوری اسلامی، هم گروهک‌های مختلف ضد انقلاب به خصوص منافقین را به حضیض ذلت نشاند و هم بسیاری از قربانیان آنها را مجددا به درون جامعه بازگرداند.

اما بقایای منافقین، که از برنامه‌های سازنده و تحول‌آفرین او ضربه دیدند، در دورانی که حاج اسدالله دیگر همه مسئولیت‌های دولتی و حکومتی را کنار گذارده و بدون هیچ محافظی به همان مغازه کوچکش در بازار برگشته بود، او را در شرایط کاملا بی‌دفاع، به گلوله بسته و به آرزوی دیرینش یعنی شهادت رساندند.

گزارش روز صد و هفتاد و ششم جنگ

ایران می‌خواهد هزینه جنگ را از ترامپ بگیرد

در حالی که جنگ تا روز دیگر ماه ششم خود را پشت سر می‌گذارد، دونالد ترامپ مهملات زیادی می‌گوید اما حتی رسانه‌هایی که بیشترین خدمت را به او در انجام عملیات روانی کرده‌اند، چرندیات او را باور نمی‌کنند.

خالی‌بند کلافه و درمانده

ترامپ دیروز به خبرنگاران گفت:

- ایرانی‌ها خیلی مایل هستند به توافق برسند، اما هنوز آماده نیستند که به یک توافق درست برسند. فکر نمی‌کنم تهران آماده باشد توافق درست را بپذیرد.
- حتی نمی‌دانیم که خودمان توافق می‌خواهیم یا نه، چون من در حال حاضر تنگه‌هرمز را قلمرو آمریکا می‌دانم. این قلمرو آمریکا است.
- آمریکا کنترل کامل منطقه مرتبط با تنگه‌هرمز را در اختیار دارد؛ منظورم کل است. این شامل مناطق زمینی بسیار فراتر از آن هم می‌شود.
- به مَحض این که کار آمریکا با جمهوری اسلامی تمام شود، قیمت نفت پایین‌تر خواهد آمد.
- ما میلیاردها و میلیاردها دلار از ونزوئلا درآمد کسب می‌کنیم. در مورد ایران هم به همان اندازه خوب عمل می‌کنیم. وقتی کشوری دیگر نیروی دریایی، نیروی هوایی، رادار، تجهیزات فنی و توان تولید ندارد، رهبرانش از بین رفته‌اند، گروه دوم رهبرانش از بین رفته‌اند و بخشی از گروه سوم رهبرانش هم از بین رفته‌اند. در واقع، این یکی از بزرگ‌ترین مشکلات من است. نمی‌دانم باید با کدام آدم لعنتی طرف شوم. این یک مشکل است.

بازار نفت بر خلاف قبل پیام‌های ترامپ را نادیده می‌گیرد

درماندگی و عصبانیت ترامپ در حالی است که رسانه اکسیوس دیروز اذعان کرد: تغییرات قیمت نفت در پاسخ به پست‌های رئیس‌جمهور ترامپ در شبکه‌های اجتماعی درباره جنگ ایران در طول زمان کاهش یافته است. چرا اهمیت دارد؟ تغییرات قیمت نفت در سراسر اقتصادهای آمریکا و جهان موج می‌زند و این درگیری باعث اختلال بی‌سابقه در عرضه شده است. در هفته‌های اولیه، بازارها به بسیاری از پست‌ها واکنش بیش از حد نشان دادند. اما ماه‌هاست که بازار پست‌های او را نادیده می‌گیرد، چون واقعیت را منعکس نمی‌کند و هیچ ارتباطی با تعداد بشکه‌هایی که از تنگه‌هرمز خارج می‌شوند، نداشته است. کاهش قدرت ترامپ بر بازارهای نفت پیامدهای سیاسی دارد، زیرا دموکرات‌ها از قیمت انرژی به عنوان چماق علیه جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای استفاده می‌کنند. در چند ماه اول کاخ سفید در کنترل روایت و کاهش قیمت نفت بسیار موفق بود. اما اثرش را از دست داده است.

دو سند درباره دروغ‌گویی نفتی ترامپ

آمریکا پس از نقض تفاهم‌نامه و دو هفته درگیری، جنگ را متوقف کرد و حال روزی نیست که ترامپ یا وزیران خزانه‌داری و انرژی او نگویند «تنگه‌هرمز باز است و صادرات نفت در جریان است». اما اگر تنگه باز است که این همه زیاده‌گویی نیاز ندارد. اگر صادرات نفت افزایش یافته باشد، خود به خود با کاهش قیمت آن و کاهش قیمت بنزین و گاز و گازوئیل آشکار می‌شود. اما چرا این اتفاق نمی‌افتد؟! قیمت نفت ظرف چند هفته اخیر مجدداً ۱۵ دلار افزایش را تجربه کرده است. یعنی ادعای دولت آمریکا را باور نکرده است.

وزیر خزانه‌داری آمریکا اخیراً در واکنش به صعود قیمت نفت تا ۹۴ دلار گفت: من واقعاً دلیل آن را نمی‌فهمم(!) او می‌تواند نفهمد. اما قطعاً حامیان ترامپ در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، معنای سقوط مقبولیت ترامپ به زیر ۳۳ درصد در اثر افزایش قیمت بنزین و دیگر گرانی‌های ناشی از جنگ احمقانه و بسته شدن تنگه‌هرمز را می‌فهمند.

از طرف دیگر، اگر بازار به نقطه تعادل در تأمین نیازها برگشته، چرا روند برداشت از ذخایر راهبردی (اضطراری) نفت آمریکا در حالی که به نقطه بحرانی نزدیک می‌شود، متوقف نشده و همچنان ادامه دارد؟ شرکت‌ها و نهادهای معتبر گزارش ترافیک دریایی و نفتی می‌گویند تردد نفتکش‌ها در تنگه و صادرات نفت از این منطقه، کمتر از یک پنجم زمان قبل از جنگ است که تنگه‌هرمز باز بود.

تنگه بسته است؛ کشورها از ایران مجوز می‌گیرند

وب‌سایت الجزیره دیروز نوشت: گزارش‌ها نشان می‌دهد که ترافیک تجاری از طریق تنگه‌هرمز تنها ۲۰ درصد میزان قبل از جنگ است. طبق تحقیقات انجام‌شده توسط عملیات تجارت دریایی بریتانیا (UKMTO) ترافیک تجاری از طریق تنگه‌هرمز همچنان به شدت محدود است و به دلیل فعالیت‌های نظامی مداوم و خطرات امنیتی دریایی، تعداد عبور و مرور روزانه تک‌رقمی است.

همچنین وب‌سایت سی‌ان‌ان گزارش داد: تنگه‌هرمز تقریباً بسته است، مگر موارد استثنا که آن هم با مجوز ایران است. در حالی که تنگه‌هرمز همچنان تا حد زیادی مسدود است، ایران به برخی کشورها اجازه عبور داده و در جدیدترین نمونه، به نفتکش‌های عراقی مجوز تردد اعطا کرده است.

عراق تنها کشوری نیست که با تهران برای عبور کشتی‌های خود مذاکره کرده است. چین، هند و پاکستان نیز از جمله کشورهایی هستند که موفق به دریافت مجوز از ایران شده‌اند. ایران پیشتر اعلام کرده بود که تردد کشتی‌های مرتبط با آمریکا یا اسرائیل را ممنوع خواهد کرد، اما به سایر کشتی‌ها با موافقت خود اجازه عبور خواهد داد.

فاجعه برای مردم آمریکا

سی‌ان‌ان در گزارش دیگری خبر داد: قیمت بنزین در ایالات متحده نسبت به میانگین ملی سال گذشته حدود یک دلار افزایش یافته و به ۴.۱۱ دلار رسیده است که از ارقام سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ فراتر است. کاهش شدید تردد در تنگه‌هرمز و محدودیت‌های صادراتی، پالایشگاه‌ها را با بحرانی همه‌جانبه برای تولید سوخت مواجه کرده است.

همچنین، حکیم جفریز رهبر دموکرات‌های کنگره آمریکا گفت: عملیات شکست‌خورده در ایران، برای مردم آمریکا یک فاجعه بوده است. دلارهای مالیات‌دهندگان باید صرف بهتر و مقرون‌به‌صرفه‌تر کردن زندگی مردم آمریکا شود، نه اینکه صرف ادامه دادن یک جنگ بی‌پایان دیگر در خاورمیانه شود.

تهدید ترامپ نشانه عجز و شکست است

آلیستر کروک، دیپلمات پیشین انگلیسی و افسر سابق MI6 هم گفته است: تنها فکر واقعی در میانِ مردم آمریکا این است که ما چقدر برای آنچه واقعاً در آنجا وجود دارد آماده نیستیم و در معرض خطر هستیم. چون هیچ گفت‌وگو، آماده‌سازی و آمادگی روانی برای مردم وجود نداشته است. وقتی ناگهان متوجه شوند که نمی‌توانند گازوئیل برای ماشین خود تهیه کنند یا جیره‌بندی شود، این یک شوک بزرگ برای آنهاست.

کروک افزود: تهدید اقتصادی علیه ایران توسط ترامپ، راهبرد مقتدرانه نیست؛ بلکه اعترافی آشکار به شکست فرآیند نظامی است. خزانه‌داری آمریکا تحت مدیریت اسکات بسنت، رسماً کنترل خود را بر سه رکن حیاتی اقتصاد یعنی «نرخ بهره بلندمدت»، «مهار تورم» و «قیمت جهانی نفت» از دست داده است. ائتلاف تحریمی سال ۲۰۱۵ (برجام) به دلیل خروج یک‌جانبه آمریکا در سال ۲۰۱۸ کاملاً متلاشی شده و امروز نه چین، نه روسیه و نه هیچ‌یک از شرکای سابق، هیچ تعهدی برای تبعیت از مکانیسم‌های دلارمحور واشنگتن ندارند. اقتصاد ایران به دلیل برخورداری از کریدورهای باز ژئوپلیتیکِ زمینی و ریلی به سمت روسیه و چین، در برابر محاصره دریایی و بنادر خود از تاب‌آوری و مقاومت ۱۰۰ درصدی برخوردار است. ترامپ در جنگ از ایران شکست خورد.

ایران قبل از کسب دستاورد به مذاکره بر نمی‌گردد

«تنگه‌هرمز؛ تهران برای توافق عجله ندارد؟». شبکه بی‌بی‌سی در پاسخ این پرسش اذعان کرد: عباس عراقچی می‌گوید هنوز تصمیمی برای ازسرگیری مذاکرات با آمریکا گرفته نشده است. چرا تهران برای بازگشت به مذاکره عجله ندارد؟ پیش از آغاز جنگ، برنامه هسته‌ای، میزان غنی‌سازی و سرنوشت ذخایر اورانیوم ایران در مرکز اختلاف تهران و واشنگتن بود. پنج ماه بعد، بازگشایی تنگه‌هرمز به یکی از فوری‌ترین مسائل آمریکا تبدیل شده است، اهرمی که ایران نمی‌خواهد ارزان از دست بدهد.

پیش از جنگ روزانه حدود ۱۳۰ تا ۱۴۰ کشتی از هرمز عبور می‌کردند؛ در هفته‌های اخیر این رقم به یک‌دهم کاهش یافته است. حملات نظامی، اسکورت کشتی‌ها، محاصره بنادر و مذاکرات آمریکا نیز نتوانسته تردد را به سطح پیش از جنگ بازگرداند. ایران خواهان بازگشت به تفاهم ژوئن و اجرای بندهایی است که از نگاه تهران جایگاه تازه‌ای در اداره تنگه‌هرمز برای آن ایجاد می‌کند. اختلاف میان دو طرف البته تنها به تنگه‌هرمز محدود نمی‌شود. بخش‌های دیگری از تفاهم ۱۴بندی نیز با مشکلات جدی در اجرا روبه‌رو هستند؛ از رفع کامل و بلندمدت تحریم‌ها گرفته تا مفاد مربوط به لبنان. به نظر می‌رسد یکی از نگرانی‌ها در نهادهای تصمیم‌گیر ایران این است که بازگشت به مذاکره پیش از روشن شدن این مسائل، بخشی از فشاری را که تنگه‌هرمز برای آمریکا ایجاد کرده از بین ببرد، بدون اینکه تهران در مقابل امتیازی را که انتظار دارد دریافت کرده باشد. ضمن اینکه تجربه شکست‌خورده تفاهم‌نامه، صدای نیروهای مخالف مذاکره و توافق با آمریکا را در ایران بلندتر کرده است.

تقویت بازدارندگی ایران و فشار مؤثر بر ترامپ

نویسنده تحلیل بی‌بی‌سی می‌افزاید: تهران روی زمان هم حساب می‌کند. بسته ماندن هرمز اجازه نمی‌دهد دولت ترامپ به سادگی از بازگشت منطقه به شرایط پیش از جنگ سخن بگوید و افزایش قیمت نفت و بنزین نیز همزمان هزینه سیاسی جنگ را در داخل آمریکا بالا برده است. احتمال تغییر ترکیب کنگره و افزایش مخالفت داخلی با جنگ یکی از عواملی است که در تهران مورد توجه قرار می‌گیرد. نگرانی درباره مصرف ذخایر برخی موشک‌های رهگیر آمریکا و هزینه بالای دفاع در برابر حملات نیز بخشی از همین محاسبه است.

علاوه بر این، هرمز به روایت تهران از نتیجه جنگ نیز کمک می‌کند. تا زمانی که تردد در یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی جهان به شرایط عادی بازنگشته، ایران می‌تواند استدلال کند که آمریکا نتوانسته شرایط پیش از جنگ را بازگرداند. تهران کنترل هرمز و توان تهدید زیرساخت‌های اقتصادی و انرژی کشورهای خلیج‌فارس را بخشی از بازدارندگی خود در برابر آمریکا می‌بینند.

ایران می‌خواهد هزینه جنگ را از آمریکا بگیرد

روزنامه انگلیسی گاردین در یادداشتی تأکید کرد: ترامپ در جنگ ایران گیر افتاده و تهران می‌خواهد هزینه جنگ را در انتخابات آمریکا از او بگیرد. او پس از نزدیک به ۶ ماه جنگ، نه به پیروزی روشنی رسیده و نه راه خروج کم‌هزینه‌ای پیش روی اوست. در حالی که ترامپ تلاش می‌کند آمریکا را از باتلاق جنگ ایران بیرون بکشد، رهبری تهران با خوشحالی، آرزوهای میان‌دوره‌ای او را نابود می‌کند. سرنوشت نیم قرن پیش کارتر که در ایران و سپس انتخابات شکست خورد، ممکن است در ذهن دونالد ترامپ باشد، زیرا او در ماه‌های آینده خود را برای آغاز کمپین انتخاباتی میان‌دوره‌ای آماده می‌کند. تلاش‌های ترامپ برای پایان جنگ، شکست خورده است و ایران کنترل تنگه‌هرمز را در دست دارد؛ آبراهه‌ای که پیش از جنگ مسیر عبور یک پنجم منابع نفت جهان بود. سلطه ایران باعث افزایش قیمت نفت شده، تورم را افزایش داده و هزینه‌های زندگی را در آمریکا بالا برده است، در حالی که حزب جمهوری‌خواه در انتخابات میان‌دوره‌ای با دشواری حفظ کنترل کنگره روبه‌رو است.

با کاهش حمایت عمومی از جنگ، نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد اکثریت رأی‌دهندگان آمریکایی معتقدند از زمان بازگشت ترامپ به قدرت در ژانویه ۲۰۲۵ وضعیت‌شان بدتر شده است. مشکلات ترامپ شباهت گسترده‌تری به معضل کارتر دارد و هم ترامپ و هم رهبران فعلی ایران آن را درک می‌کنند.

ایران در حال مهندسی شکست انتخاباتی ترامپ

گاردین در ادامه نوشت: ترامپ گیر کرده چون هرگز دلیل خوبی برای جنگ نداشت. او اکنون با ورود به کمپین انتخاباتی در پی جنگی نامحبوب که به نظر می‌رسد در حال باختن است، روبه‌رو است. او تأثیر جنگ بر قیمت سوخت را به عنوان ضروری برای جلوگیری از دستیابی «یک کشور شرور» به سلاح هسته‌ای کم‌اهمیت جلوه داد. او سپس تهدید کرد که اگر عمان مانع تلاش‌ها برای پایان دادن به منازعه با ایران شود، آن را به شدت بمباران خواهد کرد. در حرکتی بیهوده که تمسخر ایران را برانگیخت، او همچنین تنگه‌هرمز را «سرزمین جدید آمریکا» اعلام کرد.

و در روزهای اخیر، تهدید کرده که جنگ اقتصادی را علیه ایران به راه خواهد انداخت. این نوسانات، ناامیدی از کمبود گزینه‌های قابل قبول را نشان می‌دهد؛ وضعیتی که تحلیل‌گران انتظار دارند رهبران ایران از آن بهره‌برداری کنند.

آنها مصممند او را مجبور کنند که پیامدهای آغاز این جنگ در انتخابات میان‌دوره‌ای را بپردازد. این شامل محروم کردنِ ترامپ از گزینه به تعویق انداختن جنگ یا صرفاً اعلام پیروزی است. تمام نکته‌ای که ایران مطرح می‌کند این است که «ما اجازه نمی‌دهیم او تصمیم بگیرد جریان و فراز و نشیب این جنگ چگونه باشد».

آنچه ممکن است در آستانه انتخابات وخیم‌تر شود، چشم‌انداز آمریکا و اقتصاد جهانی است. هرچه به انتخابات نزدیک شویم، اوضاع بدتر خواهد شد. تاب‌آوری سیستم به طور قابل‌توجهی کاهش یافته و تورم در راه است. قیمت دیزل در حال حاضر ۵.۴۴ دلار است. یک هفته پیش، ۵.۳۰ دلار. یک ماه پیش، ۵.۰۶ دلار. یک سال پیش، ۳.۷۰ دلار. مهندسی یک شکست انتخاباتی سنگین برای ترامپ همچنان جایزه‌ای است که برای رهبران ایران ارزش پیگیری دارد. نتیجه انتخابات، می‌تواند دو سال آخر ریاست ترامپ را برای او بسیار دشوارتر کند و او را بسیار کمتر مؤثر سازد.

شوک شدید جنگ به خزانه‌داری و اقتصاد آمریکا

بحران ناشی از جنگ احمقانه علیه ایران، به عمق خزانه‌داری آمریکا کشیده شده است و این در حالی است که بدهی‌های کمرشکن آمریکا در حال ثبت رکوردهای جدید است. نشریه پولیتیکو دیروز در گزارش خود نوشت: جنگ با ایران، خزانه‌داری آمریکا را با بحران مدیریتی مواجه کرده است. همزمان، وب‌سایت قطری العربی الجدید درباره تأثیر پیامدهای جنگ با ایران بر بحران اوراق قرضه خزانه‌داری آمریکا خبر داد: طبق برآوردهای دفتر بودجه کنگره، یک آژانس مستقل و غیرحزبی، سیاست‌های ترامپ منجر به بدهی اضافی ۳.۸ تریلیون دلاری در کمی بیش از یک سال و نیم شده است، و کسری بودجه پیش‌بینی شده از ۲ تریلیون دلار فراتر رفته است که معادل بیش از ۶ درصد از تولید ناخالص داخلی آمریکا است. با اعلام رسیدن بدهی ملی آمریکا به ۴۰ تریلیون دلار در این هفته، سرمایه‌گذاران نگران شدند که این بدهی ناشی از نگرانی‌هایی در مورد جنگ احتمالی با ایران، تورم، هزینه‌های هنگفت برای هوش مصنوعی و افزایش بدهی عمومی در ایالات متحده، اروپا، ژاپن و کانادا باشد.

فشار جنگ
موجب شکستن رکورد بدهی‌های آمریکا شد

از سوی دیگر، اکسیوس در گزارشی هشدارآمیز به بررسی این سؤال پرداخت که چگونه بدهی ۴۰ تریلیون دلاری می‌تواند به کیف پول مردم آمریکا ضربه بزند؟ این رسانه آمریکایی نوشت: یک نمایشگر الکترونیکی در واشنگتن دی‌سی، بدهی ملی را در ۱۹ اوت نشان می‌دهد، زمانی که بدهی فدرال برای اولین بار از ۴۰ تریلیون دلار فراتر رفت و نگرانی‌های تازه‌ای را درباره تأثیر افزایش وام‌گیری فدرال بر وضعیت مالی آمریکایی‌ها ایجاد کرد. افزایش بدهی می‌تواند قانون‌گذاران را تحت فشار قرار دهد تا مالیات‌ها را افزایش دهند، هزینه‌ها را کاهش دهند یا مزایای فدرال را تغییر دهند. پیش‌بینی می‌شود قانون مالیات و هزینه‌های رئیس‌جمهور ترامپ طی دهه آینده تریلیون‌ها دلار به کسری بودجه فدرال اضافه کند، در حالی که کاخ سفید به دنبال ده‌ها میلیارد دلار بودجه اضافی مرتبط با جنگ ایران بوده است.

بر اساس گزارش جدید کنفرانس بورد، یک اندیشکده غیرانتفاعی، بدهی ملی بالاتر می‌تواند وام‌های مسکن، وام‌های دانشجویی و وام‌گیری کسب‌وکارهای کوچک را گران‌تر کند، زیرا فشار صعودی بر نرخ بهره وارد می‌کند. با رشد بدهی ایالات متحده، سرمایه‌گذاران ممکن است در صورت کاهش اعتماد به موقعیت مالی دولت، بازده بالاتری مطالبه کنند.

دومینوی ویرانگر بدهی در اقتصاد آمریکا

اکسیوس به نقل از گزارش کنفرانس بورد می‌افزاید: «اگر سرمایه‌گذاران شروع به دیدن بدهی آمریکا به عنوان پرریسک‌تر کنند، نرخ بهره می‌تواند بیشتر افزایش یابد و هزینه‌های وام‌گیری برای توسعه، استخدام و سرمایه‌گذاری را افزایش دهد.» نرخ‌های وام مسکن معمولاً با بازده اوراق قرضه ۱۰ساله خزانه‌داری نزدیک حرکت می‌کنند، که بازده‌ای است که سرمایه‌گذاران برای وام دادن پول به دولت فدرال را بازتاب می‌دهند. وقتی بازده اوراق خزانه‌داری افزایش می‌یابد، نرخ‌های وام مسکن نیز معمولاً افزایش می‌یابد. هزینه‌های بالاتر قرض‌گیری دولتی می‌تواند به وام‌های خودرو، اوراق قرضه‌ای که ساخت مدارس و سایر اشکال وام‌گیری را تأمین می‌کنند، منتقل شود.

بدهی بالا می‌تواند نگرانی‌های تورمی را افزایش دهد اگر سرمایه‌گذاران شروع به نگرانی کنند که سیاست‌گذاران در نهایت به اقدامات تورمی برای مقابله با مشکلات مالی دولت تکیه خواهند کرد.

با افزایش بدهی ملی، دولت فدرال باید پول بیشتری را به پرداخت‌های بهره اختصاص دهد. این می‌تواند قانون‌گذاران را با فضای کمتری برای تأمین مالی اولویت‌هایی مانند دفاع، زیرساخت و آموزش باقی بگذارد.

طائب: آمریکا حتی ۶۰ روز هم به سند مذاکرات پایبند نماند

رئیس سازمان بسیج مستضعفین گفت: ما درخواست آتش‌بس نکردیم؛ آنها به سمت آتش‌بس آمدند. سپس مسیر مذاکره دنبال شد و در این مذاکرات به سندی رسیدیم، اما طرف مقابل حتی ۶۰ روز نیز نتوانست به آن سند پایبند بماند و تعهدات خود را نقض کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین طائب، رئیس سازمان بسیج مستضعفین در چهارمین آئین ملی تکریم فعالان مساجد کشور که در مسجد مقدس جمکران برگزار شد، ضمن تبریک مناسبت‌های مربوط به پیامبر اعظم(ص)، آغاز امامت حضرت بقیه‌الله الاعظم(عج) و روز ملی مسجد، اظهار کرد: دشمنان هواپیماهای بی-۱ و بی-۵۲ را به میدان آوردند و موشک‌هایی را از دریا شلیک کردند، اما وقتی دیدند این ملت ایستاده و مقاومت می‌کند، به سمت درخواست آتش‌بس رفتند. وی گفت: ما درخواست آتش‌بس نکردیم؛ آنها به سمت آتش‌بس آمدند. سپس مسیر مذاکره دنبال شد و در این مذاکرات به سندی رسیدیم، اما طرف مقابل حتی ۶۰ روز نیز نتوانست به آن سند پایبند بماند و تعهدات خود را نقض کرد.

به گزارش فارس، رئیس سازمان بسیج مستضعفین با اشاره به تعهدات طرف مقابل در دوره ۶۰ روزه بیان داشت: قرار بود تهدیدی صورت نگیرد و در منطقه مقاومت عملیات و حمله‌ای انجام نشود، اما مردم لبنان و فلسطین را زیر شدیدترین بمباران‌ها قرار دادند و تلاش کردند با حمایت نظامی، بندهای توافق را نقض کنند، ولی در برابر مقاومت نیروهای مسلح موفق نشدند.

وی گفت: وقتی مسجد خانه خدا و خانه مردم باشد، همه اقشار در آن حضور خواهند داشت؛ زن و مرد، کودک و نوجوان، جوان و بزرگسال و افراد با سلایق مختلف. ما باید چنین مسجدی را به همان مسجدی که امام شهیدمان می‌خواست، تبدیل کنیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین طائب بیان داشت: مسجد باید محل انتقال معارف اسلامی، تبیین احکام و مفاهیم اسلامی و جایی برای حل مسائل، مشکلات و معضلات جامعه باشد.

وی گفت: مسجد در گذشته مرکز تصمیم‌گیری‌های مهم و انجام کارهای بزرگ بوده و باید بار دیگر به مرکز فرهنگ‌سازی، جریان‌سازی، گسترش معنویت، علم، جهاد، تدبیر و عبادت و همچنین پایگاه سیاست و محل وحدت اقشار تبدیل شود. رئیس سازمان بسیج مستضعفین با اشاره به حکم مقام معظم رهبری درباره مسئولیت خود اظهار داشت: در حکم رئیس سازمان بسیج، یکی از اهداف، توسعه خدمات اجتماعی اثربخش با محوریت مسجد تعیین شده است؛ بنابراین امروز مسجد باید علاوه بر فعالیت‌های عبادی و دینی، در ارائه خدمات اجتماعی اثربخش نیز نقش ویژه‌ای ایفا کند. وی گفت: برای تحقق این هدف باید تعامل سازنده و مؤثر با نهادها و سازمان‌های حاکمیتی، دولتی و عمومی شکل بگیرد و این تعامل در مسجد دنبال شود.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین با اشاره به تأکید مقام معظم رهبری بر ایجاد بسیج میادین در کنار بسیج مساجد اظهار داشت: باید با تعامل و هم‌افزایی میان بسیج میادین و بسیج مساجد، مسائل هر محله احصا و برای حل آنها برنامه‌ریزی شود و هسته‌های مقاومت در میدان و در محله مسجد فعال شوند.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین طائب با تشریح راهبرد بسیج در دوره جدید گفت: باید تدبیر مقام معظم رهبری را عملیاتی کنیم و با محوریت امام جماعت، همه صاحبان نفوذ و ظرفیت‌های محله، اعم از دولتی و مردمی و با هر سلیقه‌ای، شناسایی و در کنار یکدیگر جمع شوند.

وی گفت: باید میان نیازمند و توانمند پیوند ایجاد کنیم؛ در هر محله توانمند علمی و نیازمند علمی، توانمند اقتصادی و نیازمند اقتصادی، توانمند حقوقی و نیازمند خدمات حقوقی و مشاوره‌ای وجود دارد.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین طائب اظهار داشت: افرادی نیز توانمندی جسمی دارند و می‌توانند در بسیج و جهاد سازندگی فعالیت کنند و در مقابل، محله‌هایی وجود دارند که به سازندگی نیاز دارند. همچنین افراد توانمند در عرصه تبیین وجود دارند و در مقابل، نیازهایی در حوزه مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی وجود دارد که باید این توانمندی‌ها به نیازهای موجود متصل شوند.

حجت‌الاسلام والمسلمین طائب تصریح کرد: مسجدی که به دنبال آن هستیم باید امام جماعت را در محور قرار دهد و همه دستگاه‌ها را در یک هیئت امنا سازماندهی کند. بسیج نیز باید به‌عنوان بازوی امام جماعت و عامل انسجام‌بخشی به حرکت‌های مردمی، سازماندهی‌ها را در مسجد انجام دهد. وی گفت: هدف این است که توان مسجد و ظرفیت محله به نیازهای همان محله پیوند بخورد، مسائل احصا شود و صاحبان راه‌حل پای مسائل حاضر شوند. حجت‌الاسلام والمسلمین طائب با بیان اینکه مسجدِ محور محله می‌تواند به وحدت و انسجام اجتماعی منجر شود، بیان داشت: اگر این الگو به‌درستی اجرا شود، محله‌ای شکل می‌گیرد که وحدت‌آفرین است، امر به معروف و نهی از منکر را دنبال می‌کند و رفتار مردم آن با یکدیگر بر اساس حکمت، موعظه حسنه و گفت‌وگوی نیکو خواهد بود.

وی با استناد به آیه «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» گفت: اگر در محله مسجدمحور همه مردم بر مبنای محبت و تعاون بر نیکی و تقوا با یکدیگر همکاری کنند، وحدت ملت حفظ خواهد شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین طائب اظهار داشت: اگر این پایگاه شکل بگیرد، می‌توانیم یکپارچه بایستیم و بگوییم تا زمانی که شروط ما محقق نشود، زیر بار دشمن نمی‌رویم و تنگه هرمز باز نخواهد شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین طائب گفت: اگر ملت در قالب محله به یکدیگر پیوند بخورد، محلات یکپارچه شوند، شهرها در کنار هم قرار بگیرند، اقوام و مذاهب متحد شوند و ادیان نیز در کنار یکدیگر قرار بگیرند، آن‌گاه می‌توان مطالبه کرد که راهبرد نظامی ایران تهاجمی‌تر، کوبنده‌تر و فراگیرتر شود.

۷۱ درصد آمریکایی‌ها معتقد به اشتباه ترامپ در ورود به جنگ با ایران هستند

وی در ادامه به وضعیت آمریکا و رژیم صهیونیستی اشاره کرد و بیان داشت: اگر این حرکت را با قدرت دنبال کنیم، باید بدانیم که روند دشمن نیز نزولی است.

حجت‌الاسلام والمسلمین طائب با بیان اینکه امروز رئیس‌جمهور آمریکا به لفاظی روی آورده است، تصریح کرد: این لفاظی‌ها بر اساس ابتکار عمل نیست، بلکه از سر استیصال است. دشمن ابتکار عمل خود را از دست داده و تلاش می‌کند با روش‌های دیگری شرایط را تغییر دهد.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین گفت: بر اساس نظرسنجی‌هایی که در آمریکا انجام شده، ۷۱ درصد مردم این کشور معتقدند ترامپ در ورود به جنگ با ایران اشتباه کرده است.

وی اظهار داشت: امروز همه تلاش آمریکایی‌ها این است که جنگ را به حاشیه ببرند، نارضایتی اجتماعی ایجاد کنند، مسائل اجتماعی را به مسائل امنیتی پیوند بزنند و در داخل کشور مشغول‌سازی ایجاد کنند.

حجت‌الاسلام والمسلمین طائب گفت: دشمن تلاش می‌کند در منطقه نیز مشغول‌سازی ایجاد کند، میان ایران و همسایگان اختلاف بیندازد و با ایجاد پیوندهای منطقه‌ای، کشورهای منطقه و جهان را در مقابل ایران قرار دهد تا به جای حضور مستقیم آمریکا در جنگ، ائتلاف‌ها و پیوندهای منطقه‌ای را علیه جمهوری اسلامی فعال کند.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین با بیان اینکه آمریکا در ایجاد شکاف میان ایران و کشورهای منطقه موفق نشده است، اظهار داشت: امروز آمریکا به خطای محاسباتی خود پی برده و در پیوند دادن منطقه علیه ایران موفق نشده است.

نقشه جهانی قدرت در حال تغییر است

وی درباره اروپا نیز گفت: کشورهای اروپایی اگرچه در ظاهر هنوز به دلیل ترس با آمریکا همراهی می‌کنند، اما در واقع شرایط متفاوت است. اروپایی‌ها متوجه شده‌اند که از سوی آمریکا تحقیر شده‌اند و در سند امنیت ملی ترامپ نیز به‌وضوح دیده می‌شود که جایگاه اروپا تا چه اندازه تضعیف شده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین طائب خاطرنشان کرد: امروز نقشه جهانی قدرت در حال تغییر است و این‌گونه نیست که آمریکا محور عالم و رژیم صهیونیستی محور منطقه باشد؛ هر دو در یکی از ضعیف‌ترین شرایط خود قرار گرفته‌اند.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین مشکلات اقتصادی داخل آمریکا و رژیم صهیونیستی را نیز از جمله عواملی دانست که جبهه استکبار را به سمت ضعف و اضمحلال می‌برد. وی تأکید کرد: اگر می‌خواهیم در انتظار حضرت بقیه‌الله(عج) وظیفه خود را انجام دهیم، باید قدرشناس این ملت و حضور ملت‌ها در صحنه باشیم؛ هم ملت ایران، هم ملت‌های کشورهای مقاومت و هم سایر مستضعفانی که امروز به این حرکت امید بسته‌اند.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین گفت: امروز در داخل آمریکا نیز نشانه‌هایی از نافرمانی در دانشگاه‌ها و خیابان‌ها دیده می‌شود و مردم جهان بیش از گذشته به دنبال شناخت امام و اندیشه مهدویت هستند.

حجت‌الاسلام والمسلمین طائب خاطرنشان کرد: امروز در فضای مجازی نیز افراد با سرعت به دنبال شناخت امام و حضرت مهدی(عج) هستند و آزادگان جهان می‌پرسند چه کسی عدالت و قسط را در جهان برقرار خواهد کرد.

مقاله وارده

حاکمان قطر، گذشته را خوب یادشان باشد

۱- درخواست سردار میرفیصل باقرزاده از قطر مبنی بر ورود تیم حقیقت‌یاب ایران به آن کشور یک درخواست انسانی بر اثر روابط گذشته است نه از باب برتری نظامی قطری‌ها و ضعف ما ایرانی‌ها در توانمندی نظامی!

۲- اینکه فرمانده کمیته جست‌وجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح به تکذیبیه قطری‌ها مبنی بر عدم اسارت خلبانان ایرانی پاسخ داده است، از باب اشراف اطلاعاتی ما بر موضوع یاد شده است، نه گمانه‌زنی‌ها.

۳- تیم کارشناسی نیروی هوائی ایران که ماه‌ها است در انتظار ورود به قطر و بررسی میدانی درباره خلبانان ایرانی است، هم با زبان دیپلماسی آشنا است هم راهکارهای سیاسی و نظامی. مسئولان قطری که کارشکنی می‌کنند بدانند مجوز ورود تیم حقیقت‌یاب ایران و پیگیری موضوع از سوی صلیب سرخ بر اساس قواعد بین‌المللی است، اگر جز این بود شمشیر برنده امروز ما هم برنده‌تر از دیروز خواهد بود. اگر کشور کوچک در حد نیم استانی همسایه زبان نرم را متوجه نمی‌شود، لااقل به تاریخ خود در این چند سال گذشته توجه کند.

۴- قطری‌ها به یاد بیاورند پس از تحریم کشورشان توسط کشورهای عربی، ایران مرز هوایی خود را بر روی پروازهای شرکت‌های هوائی قطر از جمله هواپیمایی قطر باز گذاشت و ارسال مواد غذایی را به آن کشور افزایش داد.

۵- قطری‌ها یادشان باشد از زمان آغاز بحران خلیج‌فارس، ایران روابط دو جانبه خود را تعمیق بخشید و همبستگی تهران با دوحه بیشتر شد.

یادتان رفت، فراتر از لفاظی‌ها در مناقشه، ایران محموله‌های غذائی را برای کمک به دوحه در جلوگیری از بحران امنیت غذائی فراهم کرد.

۶- نه تنها قطری‌ها بلکه همه کشورهای منطقه سرسپردگی به آمریکا و اسرائیل را از خاطر خود دور کنند، دل به پایگاه‌های دشمن نبندند. هیمنه و حیثیت نداشته آمریکایی‌ها بر باد رفته است. یقین بدانند دوران حضور بیگانگان در منطقه رو به پایان است.

۷- اگر حاکمان قطر سهمی از عقلانیت را برای خود قائلند، تا دیر نشده بر کارنامه دویست‌ساله کشور خود بازنگری جدی داشته باشند و بیش از این مورد طعمه دشمنان قرار نگیرند. واقعیت‌ها را در نظر بگیرند تا زودتر از آن‌چه می‌پندارند از کرده خود پشیمان نشوند.

محمد خامه‌یار

بازدید رئیس ستاد کل نیروهای مسلح از تأسیسات زیرزمینی تولید موشک

سرلشکر عبداللهی: کیفیت و کمیت تجهیزات دفاعی افزایش یافته است

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح از یکی از تأسیسات زیرزمینی تولید موشک‌های بالستیک بازدید کردند.

همزمان با روز صنعت دفاعی، سرلشکر علی عبداللهی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و سردار سیدمجید ابن‌الرضا سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، برای نخستین‌بار به‌صورت سرزده از یکی از ده‌ها خط تولید زیرزمینی صنایع دفاعی کشور بازدید کردند؛ مجموعه‌ای که بخش مهمی از آنچه امروز در میدان دیده می‌شود، در همین خطوط زیرزمینی تولید و آماده می‌شود.

به گزارش فارس، در جریان این بازدید، سرلشکر علی عبداللهی با اشاره به تلاش و پیشرفت‌های صورت‌گرفته در صنایع دفاعی کشور اظهار کرد: کار بزرگی را دوستان عزیزمان در وزارت دفاع انجام داده‌اند و وقتی آدم وارد این‌جا می‌شود، جز کار و تلاش و در کنار آن شوق پیشرفت چیزی نمی‌بیند.

رئیس ستادکل نیروهای مسلح همچنین با اشاره به سرعت عمل و کیفیت تولیدات صنایع دفاعی در یک سال گذشته گفت: پیشرفت‌های صورت‌گرفته در ابعاد مختلف شگفت‌انگیز بوده و به فضل الهی و با همت کارکنان و مدیران عالی وزارت دفاع، تجهیزات تولیدشده از قابلیت‌های بهتر و کیفیت بالاتری برخوردار شده و از نظر کمیت نیز تولید آنها افزایش یافته است.

وی ادامه داد: دشمن باید بداند که نمی‌تواند با اراده یک ملت، بجنگد.

دریادار ایرانی:

صنعت دفاعی پشتوانه‌ای مطمئن برای صیانت از استقلال و امنیت کشور است

فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران گفت: صنعت دفاعی از دل تحریم‌ها، محدودیت‌ها و دشمنی‌ها سربرآورد و با تکیه بر ایمان، دانش و روحیه جهادی متخصصان ایرانی، به جایگاهی دست یافت که امروز به عنوان پشتوانه‌ای مطمئن برای صیانت از استقلال، امنیت و منافع ملی شناخته می‌شود.

امیر دریادار شهرام ایرانی، فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به مناسبت ۳۱ مرداد روز صنعت دفاعی پیامی صادر کرد.

در این پیام آمده است: سی و یکم مردادماه، روز صنعت دفاعی، یادآور یکی از درخشان‌ترین جلوه‌های خودباوری ملی و ثمره مجاهدت نسل‌هایی از فرزندان این سرزمین است که در سخت‌ترین شرایط، راه اتکا به ظرفیت‌های بومی، دانش داخلی و اراده ملی را برگزیدند و بنیان‌های اقتداری را بنا نهادند که امروز به یکی از ارکان اصلی امنیت و قدرت جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است.

به گزارش ایرنا از ارتش، در ادامه این پیام خاطرنشان شده است: تجربه دهه‌های گذشته به روشنی نشان داده است که ملت مقاوم ایران اسلامی هرگاه بر توانایی‌های خود تکیه کرده، توانسته است پیچیده‌ترین موانع و فشارها را پشت سر بگذارد. صنعت دفاعی کشور نیز یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های این حقیقت است؛ صنعتی که از دل تحریم‌ها، محدودیت‌ها و دشمنی‌ها سربرآورد و با تکیه بر ایمان، دانش و روحیه جهادی متخصصان ایرانی، به جایگاهی دست یافت که امروز به عنوان پشتوانه‌ای مطمئن برای صیانت از استقلال، امنیت و منافع ملی شناخته می‌شود.

دریادار ایرانی همچنین در پیام خود آورده است: حوادث و تحولات جنگ رمضان و تقابل تمام جبهه استکبار به سرکردگی رژیم کودک‌کش آمریکا و رژیم منحوس صهیونیستی، بار دیگر اهمیت راهبردی این دستاورد بزرگ را آشکار ساخت. در شرایطی که دشمنان متخاصم با بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین تجهیزات و فناوری‌های نظامی در پی تحمیل اراده خود بودند، توانمندی‌های بومی دفاعی کشور، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ موازنه قدرت، افزایش قدرت تهاجمی و ناکام گذاشتن اهداف متجاوزان ایفا نمود. این رخدادها به روشنی نشان داد که سرمایه‌گذاری مستمر در مسیر توسعه صنایع دفاعی و دستیابی به فناوری‌های پیشرفته، نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ عزت و امنیت ایران اسلامی بزرگ است.

فرمانده نیروی دریایی ارتش یادآور شد: اینجانب با گرامیداشت یاد و خاطره شهیدان، به ویژه شهدای والامقام صنایع دفاعی کشور، فرارسیدن «روز صنعت دفاعی» را به متخصصان و آحاد تلاشگران این عرصه تبریک و تهنیت عرض نموده؛ از درگاه ایزدمنان استمرار توفیقات و فزونی دستاوردها در راه جهاد علمی - تحقیقاتی و دستیابی به فناوری‌های پیشرفته دفاعی و تسلیحات راهبردی را در سایه توجهات ویژه اهل‌بیت(ع)، حضرت ولی‌عصر(عج) و امام شهید بسیار عزیز (قدس‌سره) و رهبری خردمندانه فرماندهی معظم کل قوا حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (حفظه‌الله) مسالت دارم.

سردار باقرزاده:

اوضاع جسمی خلبانان ایرانی در قطر خوب نیست

فرمانده کمیته جست‌وجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح با هشدار درباره وضعیت نامناسب جسمی خلبانان ایرانی در قطر، خواستار انتقال فوری آنان به بیمارستان و بازگشتشان به ایران شد.

سردار باقرزاده، فرمانده کمیته جست‌وجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح با اشاره به وضعیت جسمانی نامناسب برخی اسرای ایرانی در قطر، خواستار اعزام یک دستگاه آمبولانس هوائی از سوی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای انتقال هرچه سریع‌تر اسرای مجروح و بیمار به ایران شد.

سردار باقرزاده ضمن استقبال از اقدام دولت قطر برای پذیرش تیم کارشناسی جمهوری اسلامی ایران، بر ضرورت همکاری این کشور برای تسریع در روند رسیدگی به وضعیت اسرای ایرانی تأکید کرد.

وی با بیان اینکه محل نگهداری اسرا بر روی آب، شرایط مناسبی برای حفظ سلامت آنان ندارد، از دولت قطر خواست اسرای ایرانی را دراسرع‌وقت به خشکی و یک بیمارستان مجهز منتقل کند.

فرمانده کمیته جست‌وجوی مفقودین همچنین با اشاره به موافقت اولیه دولت کویت برای ملاقات سفیر جمهوری اسلامی ایران با چهار اسیر ایرانی در این کشور گفت: با این اقدام بارقه‌ای از امید برای آزادی سریع این عزیزان فراهم شده است.

سردار باقرزاده از دولت کویت نیز خواست با استناد به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، حقوق اسرای جنگی را رعایت کرده و زمینه برقراری ارتباط اولیه آنان با خانواده‌هایشان را فراهم کند.

وی در ادامه با اشاره به اقدامات کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای برقراری ارتباط تصویری میان زندانیان گوانتانامو و خانواده‌های آنان اظهار کرد: انتظار می‌رود این کمیته ضمن پیگیری سریع روند آزادی اسرای ایرانی، امکان ارتباط تصویری آنان با خانواده‌هایشان را نیز فراهم کند.

فرمانده کمیته جست‌وجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح در پایان از دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در منطقه کشورهای عربی خواست در این زمینه پیشگام شود و اقدامات لازم را برای پیگیری وضعیت اسرای ایرانی و برقراری ارتباط آنان با خانواده‌هایشان به عمل آورد.